

جنبش دانشجویی و مناسبات دولت‌ها و روشنفکران دینی پس از انقلاب اسلامی

پیمان عین‌القضاتی¹

حسن خیری²

محمدحسین پوریانی¹

چکیده

توسعه جنبش دانشجویی بعنوان پیشران فعالیت‌های اجتماعی امروزه یکی از دغدغه‌های مهم نظام جمهوری اسلامی می‌باشد. بافت شاخص‌های جنبش دانشجویی ایران در سال‌های اخیر بیابگر اهمیت بالای نیاز به تفکر و اقدام در راستای توسعه آن می‌باشد و برای دستیابی به مدل نیاز به تحلیل اجتماعی جنبش دانشجویی پس از انقلاب اسلامی است که چگونگی و چرایی آنرا بیان می‌دارد. با توجه به ابعاد ذکر شده برای جنبش دانشجویی در ادبیات موجود یکی از عناصر بسیار مهم ساختارها می‌باشند که بر جنبش تأثیر می‌گذارد و نکته مهم در مورد ساختارها مناسبات دولت‌ها و روشنفکران با جنبش می‌باشد. از آنجا که تاکنون به این بعد از تحلیل جنبش دانشجویی توجه نشده است این پژوهش به دنبال یافتن چارچوبی برای تحلیل جنبش دانشجویی در فضای دانشگاه‌ها می‌باشد. پژوهش از نوع کیفی بوده و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد با رویکرد نوظهور به تدوین چارچوب توسعه جنبش دانشجویی بر مبنای رابطه دولت‌ها و روشنفکران با جنبش می‌باشد. داده برداری از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با جمعی از دبیران اتحادیه‌ها و تشکل‌های دانشجویی و فعالان جنبش دانشجویی از ابتدای انقلاب تاکنون می‌باشد و طی مصاحبه با ۱۵ نفر اشباع نظری به دست آمده است. چارچوب نهایی پژوهش شامل دو الگوی تشخیص و تعیین افت جنبش دانشجویی و توسعه جنبش دانشجویی می‌باشد. در الگوی تشخیص سه مقوله اصلی علل ضعف جنبش و نشانه‌های افت شاخص جنبش دانشجویی و عواقب منفی دیده می‌شود. همچنین در الگوی توسعه جنبش دانشجویی پنج مقوله اصلی شامل ماهیت‌های تقویت‌کننده، پدیده‌های محوری، راهبردها و پیامدها وجود دارد.

واژگان کلیدی

ساختار، دولت، روشنفکران، جنبش دانشجویی، نظریه داده بنیاد

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

** دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

مقاله: پژوهشی

مقدمه

ظهور جنبش دانشجویی از سوی دانشجویان متمرکز بر تحركات دانشجویی معمولاً برای سیاسی کردن حوزه عمومی و نقد قدرت و تاثیرگذاري بر آن و غالباً همراه با آرمانگرایی های عدالت خواهانه چپ و در مقابله با تبعیض، بی عدالتی و اقتدار گرایی است. (نخعی، 1395، 34) برخی از مهمترین کارکردها و ماهیت جنبش دانشجویی نقد، روشنگری، آرمان خواهی، رابط و میانجی بودن جنبش دانشجویی برای بیان و انتقال خواسته های جامعه، بیان قاطع، خشن و پرخاشگرانه ی مشکلات جامعه، و... می باشد. (کریمیان، 1390، 85) اما نگاهی به وضعیت جنبش دانشجویی در دانشگاه های پس از انقلاب اسلامی بیانگر فراز و فرودهایی این جنبش است که در سال های اخیر، اعلام موضع و صدور بیانیه از سوی تشکل های دانشجویی در ارتباط با رخدادهای سیاسی کمتر دیده می شود. عبارتی فضای کنونی "پویشی" است نه "جنبشی" و فردیت در بین دانشجویان زیاده شده است. (جلایی پور، 1397، 25) سکوت و عزلت جنبش دانشجویی مشهود بوده و ثمرات آن تقلیل فعالیت ها و مشارکت های دانشجویی می باشد.

از آنجاکه جنبش دانشجویی زیر مجموعه جنبش های اجتماعی می باشد و جنبش های اجتماعی را پدیده های چندوجهی می دانند، ولی لازم است در تحلیل اجتماعی جنبش دریابیم که عوامل تعیین کننده ی آن چیست؟ در نظریه های جامعه شناسی، برای تحلیل پدیده های اجتماعی مکاتب و تقسیم بندی های گوناگونی وجود دارد و مهمترین دسته بندی آنها تقسیم نظریات به خرد و کلان یا عامل گرا و ساختار گراست. برخی از اندیشمندان موتور حرکت جنبش های اجتماعی را فرد یا عاملیت و گروهی دیگر ساختارها را در نظری می گیرند. آلتوسر اولویت ساختارها را بر فهم اراده عاملان بیان می کند. یعنی عاملان انسانی تحت الزام ساختار و جایگاه های برآمده از ساختارها هستند و عمل می کنند. به نظر آلتوسر، یک تشکل اجتماعی از سه عنصر بنیادی ساخته می شود اقتصاد، سیاست و ایدئولوژی. کنش های متقابل این اجزای ساختاری، کل اجتماعی را در هر زمان می سازند. (ریترز، 1374، 225) از نظر وبر، جامعه شناسان باید به بررسی کنش های افراد و معانی وابسته آن ها پردازند. آنان باید بفهمند که چرا فردی کاری را انجام می دهد یا چیزی می گوید و نیز باید بفهمند افراد چه معنایی به وضعیت های گوناگون نسبت می دهند. آنچه مورد توجه وبر بود کنش ها و معانی بودند. از نظر او فهم این نکته از اهمیت برخوردار است که چه طور افراد به کنش هایشان معنا می بخشند. نکته دیگر آن که افرادی مانند پیر بوردیو و آنتونی گیدنز در تلاش هستند که نظریه جامعه شناسی را از دوگانه انگاری عاملیت و

ساختار نجات دهند.

اما به هر حال این سوال به ذهن می رسند که چه مولفه‌هایی می‌توانند جنبش دانشجویی را در دانشگاه ها به لحاظ ساختاری تقویت یا تضعیف کنند؟ در پاسخ به سوال مطرح شده می‌توان گفت جنبش دانشجویی در دانشگاه ها با دو عنصر دولت ها و روشنفکران در تعامل است. در این میان رابطه ساختارها و جنبش دانشجویی که مبتنی بر ساختارهای درونی و برونی دانشگاه‌ها است کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. ساختارها به دو بخش درونی و برونی در دانشگاه‌ها تقسیم می‌گردند که در ساختارهای بیرونی دولت ها و روشنفکران و احزاب نقش اصلی دارند. از این رو نحوه تعاملات بین ساختارهای درونی و برونی دانشگاه‌ها با جنبش دانشجویی سبب رشد و تکامل یا افول و انحراف، خاموشی و حرکات سطحی جنبش های دانشجویی می‌گردد.

بنابر اهمیتی که توسعه جنبش دانشجویی در جامعه برای رشد و تعالی آن نیاز دارد تدوین چهارچوبی برای ارتباط مولفه های این سازه با سازه‌های دولت و روشنفکران در جهت توسعه جنبش دانشجویی ضروری است از این رو لازم است در طی یک پژوهش توسعه ی، به بررسی رابطه دولت‌ها و روشنفکران با جنبش دانشجویی پرداخته شود و به تبیین این مهم پرداخته که مناسبات دولت ها و روشنفکران تا چه اندازه می‌تواند جنبش دانشجویی را در دانشگاه ها بهبود بخشد ؟

این تحقیق تلاشی است در جهت تبیین و تشریح رابطه و بررسی کارکردها و نتایج تاثیر گذاری دولت ها و روشنفکران بر جنبش دانشجویی که نهایتاً عملکرد آن را بهبود بخشد لذا هدف اصلی پژوهش حاضر معرفی و تبیین چهارچوب تحلیل اجتماعی جنبش دانشجویی مبتنی بر رابطه با دولت‌ها و روشنفکران پس از انقلاب اسلامی در جامعه آماری منتخب از فعالان جنبش دانشجویی ایران است.

1. ادبیات نظری

1.1 جنبش دانشجویی: جنبش دانشجویی به معنای عمل جمعی، اختیاری، داوطلبانه و جهت‌دار دانشجویی برای ایجاد تغییر و تحول سیاسی - اجتماعی است، جنبش دانشجویی به کوشش جمعی دانشجویان برای پیشبرد یا مقاومت در برابر دگرگونی اجتماعی در جامعه‌ای که خود جزئی از آن هستند هم، اطلاق می‌شود. پس، هر عمل جمعی دانشجویی، جنبش دانشجویی نیست بلکه جنبش دانشجویی، به یک حرکت جمعی گفته می‌شود که افراد آن، به قصد ایجاد تغییر و تحول سیاسی - اجتماعی پا پیش می‌گذارند، البته ممکن است، گاهی بخواهند در مقابل برخی

تغییرات و تحولات سیاسی - اجتماعی بایستند. این افراد، جمع خود برانگیخته‌ای هستند که تغییر و تحول را جست‌وجو می‌کنند. این تغییر و تحول، می‌تواند دامنه وسیعی داشته باشد که از تحول در فکر و اندیشه تا ایجاد تغییر در نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره را در برگیرد. (خرمشاد، 1384، 79) پس در این تعریف بر تغییر و تحولات سیاسی که همان سیاست دولت‌ها می‌باشد تاکید شده است. طبق نظریه کارکردگرایانه ظهور جنبش‌های دانشجویی پاسخی به نارسایی نهادهای دانشگاهی در برابر شرایط جدید در دانشگاه‌هاست در نگاه کارکردی و با توجه به شرایطی که در آن ساختار اداری و آموزشی دانشگاه‌ها فاقد انعطاف و کارایی لازم برای پاسخگویی به نیازهای انبوه دانشجویان است بر کارکرد هویت بخش جنبش‌های دانشجویی تاکید می‌شود بر همین اساس پس از اوج‌گیری جنبش‌های دانشجویی در آمریکا و اروپا در دهه ۱۹۶۰ کوشش فراوانی شد که ساختار اداری و آموزشی دانشگاه‌ها به گونه‌ی متحول، منعطف و کارا شود که امروزه دانشجویان گوناگون و تشنه هویت جدید بتوانند در فضای دانشگاهی از طرق قانونی و آرام خواسته‌ها و هویت خود را ابراز کنند (باربیه موریس، 1383، 38) یعنی ساختارهای درونی و برونی دانشگاهها در شکل‌گیری جنبش دانشجویی تاثیر مستقیم دارد. بر اساس نظریه فرهنگ سیاسی، جنبش‌های دانشجویی عامل و مولد فرهنگ جدید سیاسی در جامعه معرفی می‌شوند. بدین معنا که در جامعه، الگویی که از قبل جا افتاده است به صورت عادت از آنها پیروی می‌شود اما دانشجویان با تکرار شعارهای خود تلاش دارند هژمونی سیاسی تبلیغی دستگاه رسمی و حاکم بر جامعه را به چالش بکشند به بیان دیگر دانشجویان از میان اندیشه‌های روشنفکران یا از میان مفاهیم و نظریات گوناگون تعدادی از آنها را که مرتبط با نیاز زمان تشخیص می‌دهند بر می‌گزینند و مرتباً آنها را به منزله مطالبات خود در حرکت‌های جمعی تکرار می‌کنند و همین تکرار مفاهیم رفته‌رفته جا را برای فرهنگ و رفتار سیاسی جدید در جامعه باز می‌کند (جلایی پور، 1389) برای توسعه و رشد جنبش دانشجویی به ساختارهای درونی و برونی دانشگاه‌ها و سیاست دولت‌ها و بدیع و نوآرانه بودن نظرات روشنفکران در اقناع دانشجویان می‌توان استناد نمود.

2.1 دولت: با واژه state به معنای وضع مستقر و پابرجا در نظر گرفته شده است به همین دلیل است که گفته می‌شود پادشاه ضامن ثبات امنیت نظم و به صورت ضمنی تامین‌کننده رفاه جامعه

است (وینسنت، 1382، 361) ویر دولت را گروهی می‌داند که "کاربست خشونت فیزیکی را در محدوده سرزمین خاصی به خود اختصاص می‌دهد" دورکیم دولت را نتیجه تقسیم کار اجتماعی می‌داند (Durkheim، 201) ایده آلیست‌هایی مانند روسو، کانت، هگل دولت را نهادی اخلاقی می‌دانند که برای رشد کامل اخلاق انسان غیر قابل صرف نظر است (عالم، 1384، 58) مارکس هم دولت را سازمان یک گروه یا طبقه برای سلطه و استثمار گروه‌ها و طبقات دیگر می‌داند (همان، 12) پست مدرن‌هایی مانند نیچه ویتگنشتاین‌هایدگر لاکان دریدا و فوکو که دولت مدرنیسم را به نقد کشیدند به جهانی شدن دولت معتقد بودند که توجهی به رابطه با جامعه ندارند و معتقدند جهانی شدن با ارائه الگوی مصرف و تولید سرمایه‌داری لیبرال تزلزل قدرت سیاسی کشورها با تحمیل دموکراسی غربی و از هم گسستن بافت فرهنگی تصویب شده جوامع ملی وفاق ملی این جوامع را با چالش جدی روبه‌رو خواهند کرد (سجادی، 1381، ص 22)

تعریف دولت بزرگترین سازمان‌بندی گروه انسانی است؛ که قدرت سیاسی در آن به جریان می‌افتد و عالیت‌ترین تجلی قدرت نیز نام گرفته است (جمالی، 1380، ص 236) بنا بر این مراد ما از دولت دستگاه سیاسی حاکم بر کشور می‌باشد که دو گونه نظام سیاسی دارد، یا به صورت دموکراتیک است که در آن نارضایتی به صورت متراکم شکل می‌گیرد در این وضعیت فعالیت دانشجویان کمتر جنبه اعتراض سیاسی به خود می‌گیرد و یا نظام سیاسی بسته است که عدم امکان دسترسی شهروندان به رهبران سیاسی را ایجاد می‌کند که در نتیجه آن دانشجو احساس می‌کند به افکار او کم توجهی شده بنابراین به ساخت و ماهیت نظام حاکم یا دولت بد بین می‌شود و بر ضد آن تجهیز می‌شود. (کریمیان، 1390، ص 50)

3.1 روشنفکر: واژه «روشنفکر» در زبان فارسی، معادل واژه *Intellectuel* در زبان فرانسوی، *aufklärer* در زبان آلمانی، *intelligentsia* و *enlightenment* در زبان انگلیسی و واژه‌های متنور، متنور العقل، مفکر و مثقف در زبان عربی است (آریانپور، 1382، ص 1751) در لغتنامه دهخدا نیز به نقل از فرهنگ فارسی معین آمده است که روشن فکر، صفت مرکب است و معنای (لغوی) آن عبارت است از: «کسی که دارای اندیشه روشن است و در امور با نظر باز و متجددانه می‌نگرد» (دهخدا، 1346، ص 171) در نظر عرف جامعه، روشنفکر کسی است که فکر روشنی نسبت به مسائل اجتماعی دارد و یا انسانی که نوعی

اعتراض و گفتگو نسبت به این مسائل دارد. آنتونیو گرامشی بانگاه ساختی کارکردی معتقد است هر گروه اجتماعی، روشنفکرانی مخصوص به خود دارد و در حقیقت روشن فکر از گروه ها برمی خیزد (گرامشی، 1385، ص. 55). یعنی هر گروه و طبقه اجتماعی روشنفکر مخصوص به خود دارد و از دوره روشنفکری به دوران روشنفکران رسیده ایم. با تامل در بین تحصیل کردگان و روشنفکران تفاوت قائل می شود و می گوید روشنفکران گروه کوچکی هستند که مستقیماً در خلق، انتقال و انتقاد افکار و عقاید شرکت داشتند. در مجموع، خصلت ویژه روشنفکران این است که با فرهنگ جامعه ارتباط مستقیم دارند. (باتامور، 1372، ص. 70) به نظر باتامور روشنفکران باید ارتباط مستقیم با جامعه داشته و به نقد آن بپردازند. اما جریان روشنفکری در ایران معاصر و دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی با شریعتی عجین شده است. دکتر شریعتی می گوید روشنفکر، متفکری است که به آگاهی رسیده و در نتیجه دارای جهان بینی باز و متحول و قدرت درک و تحلیل منطقی اوضاع و احوال زمان و جامعه ای که در آن زیست می کند، با احساس وابستگی تاریخی، طبقاتی ملی، بشری و بینش و جهت مشخص اجتماعی و ناچار حس مسولیت که همه اراده ی همان آگاهی خاص انسانی است. این آگاهی، عالی ترین شاخصه ی نوع انسانی است که در افراد تکامل یافته تر متجلی تر است. یک نوع آگاهی ایدئولوژیک و به تعبیر قدما یک استعداد هدایت و شعور نبوت و شمس راهبری است. (شریعتی، 1377، ص. 149) استاد مطهری که برآمده از حوزه دین می باشد، فردی را روشنفکر می داند که به آگاهی طبقاتی ملی و انسانی رسیده است و در راه اصلاح جامعه و رهایی از اصالت های اجتماعی قدم برمی دارد. (دژاکام، 1379، ص. 8) آیت الله خامنه ی نیز درباره روشنفکر می گویند (در روشنفکری به معنای حقیقی کلمه، نه ضدیت با مذهب هست و نه ضدیت با تعبّد. یک انسان می تواند هم روشنفکر باشد؛ به همان معنایی که همه روشنفکر را تعریف کرده اند - کسی که به آینده نگاه می کند، کار فکری می کند، رو به پیشرفت دارد - و هم می تواند مذهبی باشد، می تواند متعبّد باشد) (آیت الله خامنه ی، 22 اردیبهشت 1377) ایشان روشنفکر پس از انقلاب را دارای فکر خلاق و بدیع و همسو بادین می داند.

مفهوم روشنفکری دینی از تقلاهای عاملان انسانی در برزخ میان دنیای قدیم و جدید بر ساخته شده است. پس منظور ما از روشنفکر کسی است که رهبری فرهنگی یک جامعه را می پذیرد و می تواند پیام و نگرش و فلسفه خاصی را بیان کند و در راه اصلاح جامعه از کثری های گذشته قدم بر می دارد. و آنرا روشنفکر دینی یا مسلمان می گویند.

2. پیشینه تحقیق

در زمینه تحلیل عوامل اجتماعی جنبش دانشجویی پیش از این نیز تحقیقات ارزشمندی به بررسی ابعاد مختلف جنبش دانشجویی پرداخته اند: برخی از این آثار عبارتند از: علی اسماعیلیان (1378) با پژوهشی با عنوان "بررسی جنبش دانشجویی در نظام جمهوری اسلامی ایران" به بررسی پروسه تاثیر جنبش دانشجویی و نقش آن در ظهور و تداوم انقلاب اسلامی می پردازد و جنبش دانشجویی را از دو زاویه مختلف یکی پرداختن به ویژگی های دانشجویی به عنوان عنصر اصلی حرکات اجتماعی و دیگر عملکرد و مواضع جنبش در رابطه با دولت و حکومت مورد توجه و پژوهش قرار داده است. اسماعیلیان در نتیجه گیری روابط دولت ها را با جنبش دانشجویی تابعی از اتحاد و استفاده دولت و حاکمیت می گوید. دکتر حمیدرضا جلالی پور در مقاله ی با عنوان (فهم جنبش دانشجویی در ایران با تاکید بر فعالیت های دانشجویی در دوره اصلاحات 1376-1384) نتیجه می گیرد که جنبش دانشجویی از بین نخواهد رفت. این جنبش از طریق تاثیر بر افکار عمومی به مبارزه برخاسته است. این جنبش نباید از اهداف دائمی در دانشگاه دست بردارد. مراد ثقفی در مقاله (دانشجو، دولت و انقلاب) با رجوع به تاریخچه جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب تلاش می کند به دلایل ضعف این جنبش بپردازد و درمی یابد جنبش در برزخ بین الگوی انقلابی و الگوی دموکراتیک محکوم بوده و هست که در پی بی تحرکی محض به سربرسد. حسین بشیریه (1380) هدف اصلی جنبش های دانشجویی را متنوع کردن حوزه سیاسی جامعه از طریق مباحثه دموکراتیک می داند. بشیریه در مورد تعامل جنبش های دانشجویی با قدرت و نظام های سیاسی نیز بیان می دارد: به نظر من نباید ماهیت این گونه جنبش های اساسا فکری و روشنگر و نقاد با ماهیت گروه های قدرت طلب و ذی نفوذ خلط شود یعنی باید جنبش دانشجویی استقلال سیاسی داشته باشد.

در حوزه مطالعات خارجی با موضوع جنبش دانشجویی، "تغییر پایه های اجتماعی جنبش دانشجویی آمریکا" که توسط میلتن مکاف و ریچارد فلکس در سال 1971 در دانشگاه ویسکانسین انجام شده است به بررسی تغییرات زمینه های اجتماعی شرکت کنندگان در شورش های دانشجویی می پردازد و عواملی از قبیل ساختار طبقاتی جامعه، استبدادی بودن ساختارهای سیاسی و... را در جنبش های دانشجویی 1960 آمریکا مطالعه می کند و نتایج این پژوهش ها نشان می دهد که دانشجویانی که از طبقه اجتماعی متوسط هستند، در شهرهای نسبتاً بزرگ ساکنند

و والدین آنها دارای تحصیلات بالاتری هستند، بیشتر در فعالیت های سیاسی دانشگاه ها شرکت می کنند.

"دانشجویان و سیاست" که توسط جوا رابرتو و مارتینز فیلو در سال 1998 دربرزیل به بررسی تاثیر جنبش دانشجویی در سیاست های ملی برزیل پراخته است. دوره زمانی مورد بررسی در این پژوهش، فاصله زمانی 1992-1962 می باشد، دوره ای که عنوان "کودتا در کودتا" لقب گرفته است. این پژوهش نشان می دهد که جنبش دانشجویی برزیل مبین خواسته ها و مطالبات طبقه متوسط بوده و دوره کودتا در برزیل توسط مطالبات دموکراسی خواهانه جنبش دانشجویی به پایان رسیده است .

"روابط دولت- ملت گفتمان ها و فعالیت های جنبش دانشجویی پکن" در سال 1989 که توسط دیانگین زاوو در سال 2000 انجام شده است به بررسی تاثیر فرهنگ چینی بر جنبش دانشجویی 1989 پکن و الگوهای عمل سنتی در بین این جنبش می پردازد. انتخاب الگوی عمل در جنبش دانشجویی متأثر از روابط دولت و ملت در چین می باشد. ضعف سازمان های مدنی در چین بر عملکرد جنبش موثر بوده است. جنبش دانشجویی چین به خاطر شرایط سیاسی جامعه سعی در پنهان کردن اهداف واقعی و اتخاذ رویکردهای ایمن تر و اهداف و شیوه های عملی داشتند که مانع ایجاد برخورد شدید حاکمیت با جنبش شود .

3. چارچوب نظری

از سازوکارهای مهم تغییرات اجتماعی در جوامع جدید جنبش های اجتماعی هستند. باتمور جنبش اجتماعی را کوشش جمعی برای پیش برد یا مقاومت در برابر دگرگونی اجتماعی در جامعه ی که خودبخشی از آن را تشکیل می هد تعریف می نماید (باتمور، 1366، ص. 56) از دیدگاه جامعه شناسی عاملیت و ساختار در تحقق تغییرات اجتماعی و به تبع جنبش های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب جنبش دانشجویی در دانشگاهها نیز تحت تاثیر ساختارها و عاملیت شکل می گیرد. آلتوسر یکی از مطرح ترین نظریه پردازان ساختار گرا در دوران اخیر است وی اولویت ساختارها بر فهم واراده عاملان را بیان می کند. یعنی عاملان انسانی تحت الزام ساختار و جایگاه های برآمده از ساختارها هستند و عمل می کنند. به نظر آلتوسر، یک تشکل اجتماعی از سه عنصر بنیادی ساخته شده می شود اقتصاد، سیاست و ایدئولوژی. کنش های متقابل این اجزای ساختاری،

کل اجتماعی را در هر زمان می‌سازند. (ریترز، 1374، ص 224) گی روشه معتقد است؛ جنبش اجتماعی عبارت از سازمانی کاملاً شکل گرفته و مشخص است که به منظور دفاع و یا گسترش و یا دستیابی به هدف‌های خاصی به گروه بندی و تشکیل اعضا می‌پردازد. (گی روشه، 1375، ص 164) وی جنبش‌ها را زیر مجموعه تغییرات اجتماعی دانسته و سه اصطلاح که از آنها در تغییرات اجتماعی سخن به میان می‌ورد عوامل تغییر (ساختارها)، شرایط تغییر و کارگزاران تغییر (کنشگران اجتماعی) می‌داند. (گی روشه 1375، ص 32) در ادبیات علوم اجتماعی دولت را بعنوان ساختاری سازمان یافته که در شکل نهادی اش مدیریت عمومی جامعه و تنظیم روابط در مقیاس‌های ملی و فراملی راعهده دار است معرفی نموده است. آنچنانکه در نظر ماکس وبر دولت عالی ترین مقام و مرجعی است که انحصار اعمال قدرت و اقتدار را در قلمرو معین در اختیار دارد. قدرت که از جانب دولت اعمال می‌گردد خود مهمترین ساختاری است که تغییر اجتماعی را رغم می‌زند. سنخ دولت‌ها یعنی حداکثری یا حداقلی سبب تعیین میزان تغییرات اجتماعی و جنبش‌ها خواهد بود. رابطه روشنفکران و ارتباط آنها بر طبقات اجتماعی بحث کمیاب تر و دشوارتری است. اما در پیش تر گفته شد آنتونیو گرامشی به علت وجود انواع گوناگون روشنفکران آنان را مانند انداموره در نظر می‌گیرد (بشیریه، 1385، ص 251) که سه نقش عمده در زندگی سیاسی ایفای کنند یکی انتقاد از نظام سیاسی، دوم مشارکت و سوم انزو اوکناره گیری از زندگی سیاسی می‌باشد. با توجه به موارد عنوان شده می‌توان نتیجه گرفت که ارتباطی بین جنبش دانشجویی و عواملی مانند دولت‌ها و روشنفکران وجود خواهد داشت و به عبارت دیگر چگونگی ارتباط و نقش دولت در جنبش دانشجویی و شیوه گفتمان روشنفکران در جامعه می‌تواند زمینه ساز رشد یا توسعه جامعه دانشجویی را دنبال داشته باشد اما برای بررسی صحت یا عدم صحت این ادعا ابتدا باید تمامی عوامل موثر بر جنبش دانشجویی متاثر از دولت‌ها و روشنفکران از پیشینه مطالعاتی در مرحله قبل استخراج کرد در جمع بندی تمامی عوامل مستخرج شده از ادبیات و پیشینه نظری تحقیق دو دسته کلی ساختار و کنش را که در ادبیات پژوهش وجود دارد به عنوان عوامل موثر بر جنبش دانشجویی پیشنهاد می‌دهد بر این اساس چارچوب پیشنهادی در زمینه تاثیر دولت‌ها و روشنفکران و جنبش دانشجویی قابل توسعه است که در قسمت‌های بعدی در زمینه مدل نوحاسته توسعه جنبش دانشجویی مبتنی بر دولت و روشنفکران از آن مدد گرفته شده است.

4. روش شناسی پژوهش

از آنجا که در پژوهش های گذشته به موضوعی با عنوان "جنبش دانشجویی و مناسبات دولت ها و روشنفکران دینی پس از انقلاب اسلامی"¹ تواما باهم پرداخته نشده است بنابراین در این تحقیق با رویکردی کیفی وبا استفاده از روش داده بنیاد مدل جنبش دانشجویی و مناسبات دولت ها و روشنفکران دینی در دهه های پس از انقلاب تدوین گردیده است. در این راستا پرسش اصلی پژوهش به شرح زیر بوده است:

جنبش دانشجویی چگونه بوجود می آید؟ و چه عواملی باعث جنبش می شود؟ و چه رابطه ی بین جنبش دانشجویی با دولت ها و روشنفکران وجود دارد؟ ساختارهای برون دانشگاهی تاثیر گذار بر جنبش دانشجویی کدامند؟

در راستای پاسخگویی به پرسش اصلی و بر کردن خلاء نظری موجود پرسش فرعی زیر تدوین می شود.

- مناسبات روشنفکران با جنبش دانشجویی چگونه است؟ و از چه راهی می تواند بر جنبش تاثیر گذار باشند؟

- مناسبات دولت ها با جنبش دانشجویی چگونه است؟ و از چه طریقی می تواند بر جنبش تاثیر گذار باشند؟

در نظریه پردازی داده بنیاد، گردآوری اطلاعات تازمانی ادامه می یابد که پژوهش به اشباع برسد، یعنی زمانی که پژوهشگر از داده ها اشباع شد و یقین یافت که از داده ها بی نیاز است و هیچ اندیشه و مفهومی جدیدی پدید نیامده و معانی، اندیشه ها و مفاهیم در دور و تسلسل افتادند، نمونه متوقف می شود. به این نوع نمونه گیری، نمونه گیری نظری می گویند. پس از جمع آوری داده ها برای تحلیل و تفسیر تا حصول به استنباط نظری در این تحقیق پس از اشباع نظری، از فرآیند 1. کدگذاری باز ۱ کدگذاری محوری ۲ کدگذاری انتخابی استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش دبیران اتحادیه های تشکل های دانشجویی از ابتدای انقلاب تا کنون می باشند که با مشورت از متخصصان تحلیل جنبش دانشجویی و تعداد افراد مصاحبه شده 15 نفر بوده اند. این افراد به روش نمونه گیری هدفمند از نوع شبکه ی یا زنجیره ی انتخاب شده اند. در

1open Coding

2Axial Coding

بررسی پیشینه و چارچوب پیشنهادی، روش مرور نظری (کتابخانه ای) و از مصاحبه نیمه ساختار یافته در مرحله داده برداری استفاده شده است.

جهت اعتباریابی چارچوب پیشنهادی در این تحقیق براساس شاخص های ارزیابی مقبولیت کوربین و اشتراوس (2007) برای اعتبار درونی عمل شده است. به طوری که برای شاخص تناسب یافته های پژوهش توسط سه نفر از متخصصین جامعه شناسی سیاسی مورد ارزیابی، پالایش و تایید قرار گرفته است، برای شاخص کاربردی بودن، یافته های پژوهش از لحاظ علمی و عملی و قابل کاربرد در اداره تشکل های اسلامی دانشجویان و نهاد های تصمیم ساز در عرصه سیاست های فرهنگی می باشد. از نظر شاخص مفاهیم، تعدادی از مفاهیمی که در ادبیات و پیشینه مباحث مرتبط با جنبش دانشجویی مورد توجه قرار گرفته اند به دقت بررسی شده و دیدگاه های مختلف در مورد آن بیان شده اند. از نظر شاخص زمینه یابی مفاهیم، یافته های حاصل از پژوهش کنونی نیز در بستر تشکل های دانشجویی بیان شده است. از حیث منطقی بودن روایت پژوهش تلاش شده است که یافته های پژوهش معنادار بوده و به واقعیت ها ارتباط داشته باشند. همچنین از نظر شاخص، عمق یافته های پژوهش به طور مفصل، همراه با جزئیات و با توجه به مصادیق و ابعاد ارائه شده اند. از نقطه نظر شاخص انحراف، یافته هایی که با الگوی پژوهش تناسب نداشتند نیز در بخش های مختلف از جمله بخش بحث و نتیجه گیری مورد اشاره قرار گرفته اند. از نظر شاخص بداعت، در پژوهش حاضر نوآوری و بیان مفاهیم و ابعاد بدیع مورد توجه پژوهشگر قرار گرفته است. که می توان به مفاهیمی مانند تاثیر "دترمینیسم تاریخی" بر جنبش دانشجویی، "نازایی روشنفکری" و... اشاره کرد. از نقطه نظر شاخص حساسیت، موضوع و فرآیند پژوهش کنونی برای پژوهشگر مهم و جذاب بوده و از این رو تلاش کرده است در انجام آن جدیت وجود داشته باشد و در حین انجام پژوهش پرسش های بسیاری برای پژوهشگر ایجاد شد و نسبت به آنها حساسیت نشان داده شده است. و از نظر شاخص استفاده از یادداشت ها در پژوهش کنونی یادداشت ها و یادآوری های متعددی در حین پژوهش به ثبت رسید که در طی فرآیند تجزیه و تحلیل و مدل سازی بسیار مورد استفاده قرار گرفتند. در جهت اعتبار بیرونی چارچوب پیشنهادی نیز از "قابلیت انتقال پذیری" استفاده شده است. قابلیت انتقال از نظر مفهومی شبیه تعمیم پذیری در مطالعات کمی است (استومل و ویلز: 2004) برای تایید این شاخص نسبت به ارایه جزئیات بیشتر در رابطه با شرکت کنندگان و خصوصیات محیط به افزایش تناسب داده ها با محیط تحت مطالعه (نمونه گیری نظری) انجام شد، جهت تایید انتقال

پذیری نیز یافته ها با نمونه هایی که در مطالعه شرکت ندارند در میان گذارده شد و نظرات آنها پیرامون تناسب یافته ها مورد بررسی قرارگرت که تناسب یافته ها مورد بررسی قرار گرفته که تناسب یافته ها را مورد تایید قرار دادند. همچنین توسعه و توصیف غنی از مجموعه داده های مطالعه مورد نظر در طول مرحله گردآوری داده ها که این امر می تواند پتانسیل های قابلیت انتقال را افزایش دهد مد نظر قرار گرفته و در نهایت ، استفاده از رویه های ویژه کد گذاری و تحلیل اسناد و مکتوبات و نماد ها و نشان ها و سایر موارد در مرحله تحلیل داده که به اطمینان از قابلیت انتقال کمک می کند. مد نظر محقق قرار گرفته است.

5. یافته های پژوهش

همانطور که در چارچوب پیشنهادی گفته شد ارتباطی بین جنبش دانشجویی با عوامل دولت ها و روشنفکران وجود دارد و به عبارت دیگر دولت ها و روشنفکران می توانند زمینه سازی مانع جنبش دانشجویی باشند. در این پژوهش از تئوری داده بنیاد جهت توسعه مدل و سازماندهی داده های جمع آوری شده از مصاحبه ها استفاده شده است سه طرح یا شیوه برای انجام نظریه داده بنیاد وجود دارد (یک) شیوه سیستماتیک که توسط کوربن و اشتراس ۱۹۹۰ مطرح شد و با سوالات ساختارمند روابط بین ابعاد مدل را هم نشان می دهند (دو) شیوه ناخاسته یا ره یافت ظاهر شونده که توسط گلیزر ۱۹۹۲ توسعه داده شد مبنای پژوهش حاضر نیز همین شیوه است که به نظریه داده بنیاد کلاسیک نیز مشهور است (سه) شیوه سازگارا که توسط کتی چارمز در سال ۲۰۰۰ توسعه داده شد (بازرگان، ۱۳۹۶، ص ۹۶) روش ناخاسته برخلاف طرح سیستماتیک که رویکردی ساختارمند بر روش نظریه داده بنیاد دارد و مقوله ها را در این چارچوب قرار می دهد و همچنین بر خلاف طرح اقتضائی خانم کتی چارمز که موضوع فلسفی این رویکرد را دارای برداشتی می داند که در دامنه طیفی از اثبات گرایی گلیزر و اشتراس و کوربن تا پسامدرن نسبت می دهند به این امر تاکید می شود که باید این امکان را فراهم کرد که نظریه از داده ها تکوین یابد نه اینکه مقوله های ویژه ای در این راه مورد نظر قرار گیرد و بیش از اندازه بر قواعد و شیوه ها تاکید نمود (بازرگان، ۱۳۹۱، صص. ۱۰۵-۱۰۳)

1.5. کدگذاری باز

کدگذاری باز جزئی از تحلیل است که با تحلیل دقیق داده ها نام گذاری و طبقه بندی کردن داده ها انجام می شود برای طبقه بندی دقیق مفاهیم در مقوله ها هر مفهوم بعد از تفکیک برجسب

خورده و داده های خام به وسیله بررسی دقیق متن مصاحبه ها مفهوم سازی شدند داده های جمع آوری شده از مصاحبه شوندگان کدگذاری شدند تا به شکل راحت تری شباهت ها و تفاوت ها شنیده شوند جدول شماره یک نمونه کد گذاری اولیه در کدگذاری باز برای علل اصلی ضعف جنبش دانشجویی آورده شده است کدگذاری محوری همان طوری که گفته شد در این پژوهش با تکیه بر روش نوحاسته برای توسعه مدل م جنبش دانشجویی مبتنی بر روابط دولت ها و روشنفکران بهره برده شده است در این راستا دو الگو توسعه داده شده است یکی الگوی تشخیص و تبیین ضعف جنبش دانشجویی و دیگری الگوی تجویزی توسعه جنبش دانشجویی بر مبنای روشنفکران و روابط دولتها در جهت رفع ضعف جنبش دانشجویی برای هر دو الگو کدگذاری باز کدگذاری محوری کدگذاری انتخابی برای مقوله اصلی بهره برده شده است اما جای دادن مقوله ها در دو الگو بر اساس ابتکار و خلاقیت محقق و مشاهدات و برداشتها از مصاحبه ها بوده است.

جدول شماره ی 1: نمونه کد گذاری اولیه باز در کدگذاری باز برای علل اصلی ضعف جنبش

دانشجویی

متن مصاحبه	کدهای باز استخراج شده از مصاحبه	مقوله های فرعی
رابطه دولت ها با جنبش دانشجویی تا ۸۴ غیر از یک مقطع در اکثر این زمان ها یعنی دهه ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ تا ۸۴ که احمدی نژاد رئیس جمهور می شود اکثر زمان دانشجویان تشکل ها نسبت به دولت ها نقش آمریت داشتند	مناسبات دولت ها با جنبش دانشجویی	تضاد و چالش
فعالان جریان های دانشجویی ایدئولوژی های دهه شصت را فاقد کار آمدی و واقع گرایی لازم می دانستند از این رویک تجدید نظر	تجدید نظر طلبی، آزادی خواهی، دمکراسی	ایدئولوژی

	خواهی	<p>طلبی نرم و آهسته آغاز شد این تجدید نظر خواهی کم کم تحت تاثیر جریان روشنفکری دینی لیبرالی قرار گرفت و گفتمان عمل گرایی و واقع گرایی با آزادی خواهی و دموکراسی خواهی جایگزین شد</p>
آرمان گرایی	صنفي ورفاهي	<p>اینکه جنبش دانشجویی با دولت آقای روحانی تقابل یا تعامل داشته است بیشتر مشاهده میشود که آنها وارد فاز دوم یعنی صنفی می شوند و از فاز سیاسی به فضای اجتماعی و گام سوم (دوره دوم دولت آقای روحانی) از فاز اجتماعی به فاز رفاهی ورود می کنند. انتقادی به سیاست رییس جمهور ندارند و رئیس جمهور هر کاری می خواهد انجام می دهد ما داریم زندگی خودمان را انجام می دهیم روابط دختر و پسر رفاهیات و ... مدنظر است در این زمان شورای صنفی قدرت می گیرد و چپ مارکسیستی در جریان های صنفی نفوذ پیدا می کند یعنی با افول جنبش دانشجویی مسلمان جریان چپ مقداری قدرت می گیرد</p>

<p>همسویی تقابل، عزلت</p>	<p>رابطه روشنفکری و جنبش دانشجویی</p>	<p>معتقدم جنبش دانشجویی شاخه ای از جریان روشنفکری است جنبش دانشجویی مسلمان به قدری با جریان روشنفکری مذهبی ارتباط نزدیک دارد که می توانیم بگوییم شاخه ای از روشنفکری دینی است آقای سروش هم گفتمان روشنفکری دینی است ما باید روشنفکری دینی را یک طیف در نظر بگیریم در این طیف دکتر شریعتی و دکتر سروش ... هستند که مختلف و گاهی مقابل همدیگر نیز خیلی جاها قرار دارند آقای سروش می شود انتهای جریان دینی غرب گرا یعنی از آقای مهندس بازرگان هم یک گام به سمت غرب نزدیک تر است البته در انتها جریان دانشجویی با دکتر سروش قطع می شود</p>
-------------------------------	---	--

2.5. الگوی تشخیص و تبیین

این الگو برای شناخت زمینه ها و علت های ضعف جنبش دانشجویی پس از انقلاب اسلامی تدوین شده است تمامی مقاله های فرعی و اصلی این الگو بر اساس ابتکار محقق و با بررسی عمیق و اکتشافی از متن مصاحبه ها و کدهای باز سازمان یافته از آن ها توسعه یافته است این الگو از سه مقوله اصلی علل ضعف یاسکون و تغییر مسیر جنبش دانشجویی نشانه های افت شاخص های جنبش دانشجویی و عواقب ضعف جنبش دانشجویی و 10 مقوله ای فرعی بر اساس جدول شماره ۲ توسعه داده شده است.

جدول شماره (2) کدهای باز، مقوله های فرعی و مقوله های اصلی شناسایی شده برای الگوی تشخیص و تبیین ضعف جنبش دانشجویی

--	--	--

شاخص ها(کدهای باز)	مقوله های فرعی(کدهای محوری)	مقوله های اصلی
اقتدار گرایی دولت هایی مانند دولت سازندگی و عدالت بی اثر دانستن فعالیت های جنبش دانشجویی	تضاد دولت ها با جنبش دانشجویی	
فاصله روشنفکران با جامعه (برج عاج نشینی) کلی نگر بودن روشنفکران، نداشتن گفتمان نو وجذاب، ادبیات روشنفکران برآورده کننده نیاز دانشجویان نیست، نازایی روشنفکری	عزلت روشنفکران	
تبدیل تشکل های سیاسی دانشجویان به باشگاه سیاسی احزاب، حمایت مادی و معنوی از جنبش دانشجویی در جهت منافع حزبی، دخالت احزاب در مدیریت دانشگاهها	سوء استفاده احزاب از جنبش دانشجویی	
امنیتی شدن فضای دانشگاهها با صلب شدن قوانین، افزایش هزینه فعالیت های سیاسی دانشجویی، رفتار سخت گیرانه هیات سه نفره ناظر بر تشکل های دانشجویی، عدم حمایت مالی از فعالیت های تشکل های سیاسی	قوانین غیر منصفانه دانشگاهها	علل ضعف جنبش دانشجویی پس از انقلاب اسلامی
فقدان آزادی پس از بیان برای استادان، عدم رابطه تشکیلاتی با دانشجویان، تفاوت نسلی بین استادان و دانشجویان،	بی تأثیری استادان دانشگاهها	

نشانه های افت جنبش دانشجویی	فاصله از آرمان های انقلاب	تغییر گفتمان جنبش دانشجویی از استکبارستیزی و استبدادستیزی، رشد جریان های التقاطی فتنه‌گرا بر معنویت
	کاهش مشارکت	کاهش اعتماد به سیستم، فاصله با ارزش ها، کاهش سرمایه اجتماعی سیاسی و فرهنگی، نیمه تعطیل شدن تشکلهای، کاهش عضویت در تشکلهای
	صنفا و رفاهی شدن	رشد تشکلهای صنفا و رفاهی بجای تشکلهای سیاسی
عواقب ضعف جنبش دانشجویی	رشد فرد گرایی دانشجویان	رشد عقلانیت و خردگرایی، اولویت مباحث اقتصادی بجای امور سیاسی، مصرف گرا شدن
	تغییر از عامل جریان ساز پیشرو به موضع انفعال	عدم صدور بیانیه و موضع گیری در رخدادها، تعطیلی نشریات دانشجویی، کاهش نشست های سیاسی و دوره های آموزشی تغییر گفتمان به دمکراسی خواهی، رشد تفکرات لیبرالیستی،
	رشد جریان های التقاطی	تغییر خواسته های دانشجویان، رشد جریان های مارکسیستی و لیبرالیستی

3.5. الگوی توسعه جنبش دانشجویی مبتنی بر روابط دولت ها و روشنفکران

این الگو بر تحلیل نقاط ضعف جنبش دانشجویی متکی بر شاخص های جنبش دانشجویی پرداخته است. این الگو دارای پنج مقوله اصلی ماهیت های تقویت کننده دو پدیده محوری روابط دولت ها و مناسبات روشنفکران، نتایج و راهبردها و 20 مقوله فرعی بر اساس جدول شماره 3 توسعه داده شده است

جدول شماره (3): کدهای باز، مقوله های فرعی و مقوله های اصلی شناسایی شده برای الگوی توسعه جنبش دانشجویی بر مبنای مناسبات با دولت ها و روشنفکران

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی (کدهای محوری)	شاخص ها (کدهای باز)
ماهیت تقویت کنندگی	کمال گرایی (آرمان گرایی)	استکبارستیزی، استبدادستیزس، اصولگرایی
	ایدئولوژی	باور مشترک، اعتقادات، نگرشها، جهان بینی
	مطالبه گری	خواهی، فسادستیزی، روشنگری، پرسشگری
	تقدم عبودیت بر سیاست	تقویت روحیه تعبد، توحید گرایی، تلاش برای دگر خواهی
	فرا ساختار	پیشتانز نسبت به دولت، تحول آفرین، رفتار انقلابی
	عدم وابستگی با دولت	منتقد دولت ها، توسعه سیاسی
	پدیده محوری دولت ها	تعامل عاملیت و ساختار
غلبه کنشگر بر ساختار (دولتها)		انتقاد و مطالبه گری در پی فضای باز سیاسی
غلبه		تضاد و تقابل بین دولت ها و جنبش دانشجویی

	ساختارها(دولتها)برکنشگری	
همسویی با گفتمان دولت و حمایت از آن	مشارکت و دخالت	پدیده محوری
تقدو چالش بر گفتمان های دولت ها	انتقاد	روشنفکران
سکوت و نازایی فکری و عزلت گزینی	انزوا و کناره گیری	
رونق جنبش دانشجویی و نزدیکی به کارکرد اصلی	همسویی دولت ها و جنبش دانشجویی	نتایج
افزایش مشارکت ، بالا رفتن سرمایه اجتماعی، کنشگری جنبش	رویکرد مردم سالاری دینی دولت ها	
تضاد و چالش، انفعال و انحراف	اقتدارگرایی دولت ها	
حمایت از جلسات نقد و مطالبه گری، آزاداندیشی، کاهش فشارهای ساختاری	فضای باز سیاسی	راهبردها
دوره های آموزشی جریان شناسی ، بررسی حکمرانی خوب، تحلیل مسایل منطقه و بین الملل	بصیرت افزایی	
تربیت سیاسی ، کادر سازی و نیرو سازی،	تقویت اتحادیه تشکل های دانشجویی	
حمایت از فعالان دانشجویی، برجسته سازی فعالیت سیاسی در کنار علم آموزی	انگیزش فعالیت های سیاسی دانشجویان	

<p>نفی مدرک گرایسی و رشد مهارت آموزی، تغییر سرفصل کتب علوم انسانی</p>	<p>تغییر ساختارهای آموزشی</p>	
---	-------------------------------	--

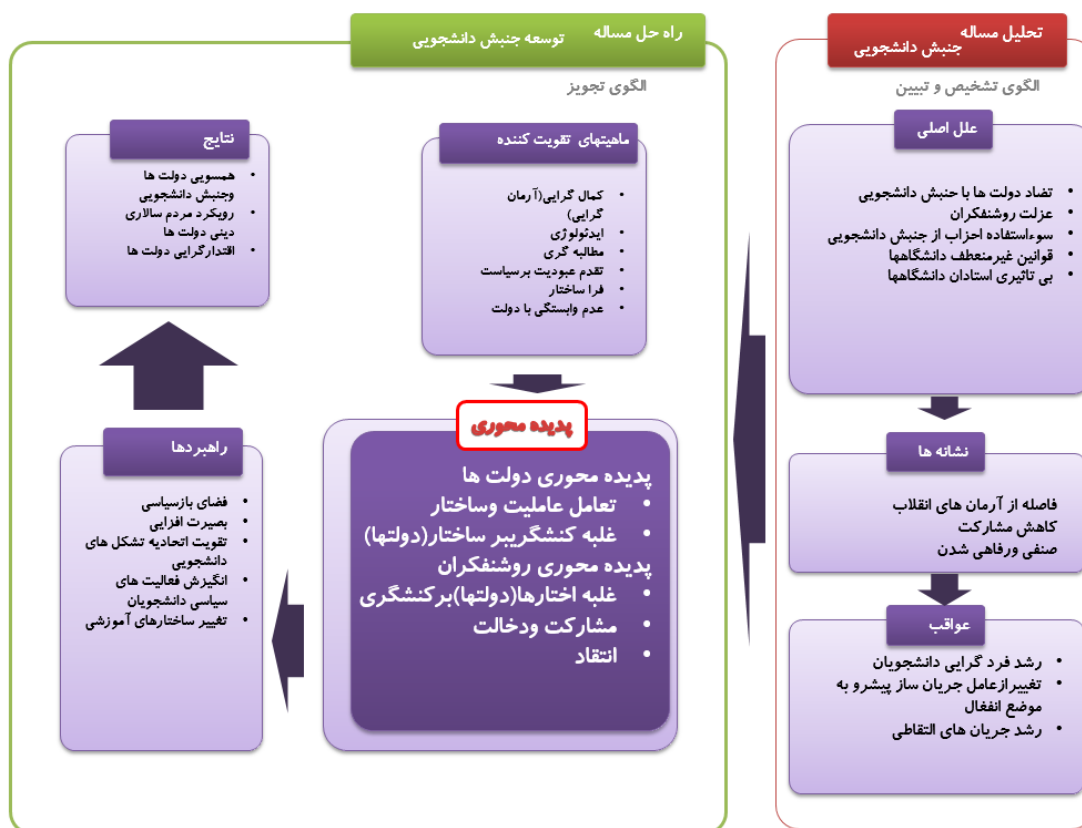
4.5 استخراج چارچوب بر اساس دو الگوی پیشنهادی در کدگذاری های انجام شده

از آنجایی که در این پژوهش از رویکرد نوحاسته در روش نظریه پردازی داده بنیاد برای تحلیل جنبش دانشجویی مبتنی بر دولت ها و روشنفکران اسلامی بهره برده شده است بنابراین قرار دادن مقوله ای اصلی و محوری بر اساس ابتکار محقق بوده و چهارچوب مستخرج از کدگذاری های انجام شده در شکل شماره ۱ آورده شده است. این چارچوب فرآیندی در راستای تحلیل اجتماعی جنبش اجتماعی بر مبنای دولت ها و روشنفکران می باشد که در آن در فاز تشخیص در ابتدا به علل نشانه ها و عواقب ضعف جنبش دانشجویی در دانشگاه ها پرداخته شده است از جمله عللی که برای تضعیف جنبش دانشجویی در این پژوهش یافته شده است می توان به اقتدار گرایسی و بی اثر دانستن فعالیت های جنبش دانشجویی دولت هایی مانند دولت سازندگی و عدالت، فاصله روشنفکران با جامعه (برج عاج نشینی) کلی نگر بودن روشنفکران، نداشتن گفتمان نو و جذاب، ادبیات روشنفکران بر آورده کننده نیاز دانشجویان نیست، نازایی روشنفکری، تبدیل تشکل های سیاسی دانشجویان به باشگاه سیاسی احزاب، حمایت مادی و معنوی از جنبش دانشجویی در جهت منافع حزبی، دخالت احزاب در مدیریت دانشگاهها، امنیتی شدن فضای دانشگاهها با صلب شدن قوانین، افزایش هزینه فعالیت های سیاسی دانشجویی، رفتار سخت گیرانه هیات سه نفره ناظر بر تشکل های دانشجویی، عدم حمایت مالی از فعالیت های تشکل های سیاسی، فقدان آزادی پس از بیان برای استادان، عدم رابطه تشکیلاتی با دانشجویان، تفاوت نسلی بین استادان و دانشجویان می باشد. نشانه های افت جنبش دانشجویی تغییر گفتمان جنبش دانشجویی از استکبارستیزی و استبدادستیزی، رشد جریان های التقاطی و تقدم سیاست بر معنویت کاهش اعتماد به سیستم، فاصله با ارزش ها، کاهش سرمایه اجتماعی سیاسی و فرهنگی، نیمه تعطیل شدن تشکلهای، کاهش عضویت در تشکلهای تشکل های صنفی بجای تشکل های سیاسی است. از عواقب ضعف جنبش دانشجویی رشد عقلانیت و خردگرایی، اولویت مباحث اقتصادی بجای امور سیاسی، مصرف گرا شدن عدم صدور بیانیه و موضع گیری در رخدادها، تعطیلی نشریات دانشجویی، کاهش نشست های

سیاسی و دوره های آموزشی تغییر گفتمان اسلام خواهی به دموکراسی خواهی، رشد تفکرات لیبرالیستی، تغییر خواسته های دانشجویان، رشد جریان های مارکسیستی و لیبرالیستی می باشد.

در الگوی تجویز ارائه شده در چهارچوب دوم این پژوهش دو پدیده محوری وجود دارد اول دولت ها که در واقع همان جنبه ای است که با جنبش دانشجویی ارتباطی مستقیم دارد و نقش آن در توسعه یا افول جنبش دانشجویی نادیده گرفته شده است یعنی نوع نگاه دولت ها به دانشگاه ها و جنبش دانشجویی و روابط بین آنها و تاثیر آن بر جنبش دانشجویی نادیده گرفته شده است. پدیده محوری دوم در این چارچوب نقش روشنفکران در جنبش دانشجویی می باشد یعنی گروهی که بیرون از ساختار دانشگاه ها حضور دارند و به عنوان ذهن جامعه خواه ناخواه با ساخت قدرت سیاسی برخورد پیدا می کنند که یا ساختارها بر آنها غلبه می کند و یا در امور با دولت ها مشارکت و دخالت می کنند یا به انتقاد پرداخته و ارزش های جدیدی را ایجاد می کنند و توانایی انتقال هر کدام از رویکردها را به دانشجویان دارا هستند..

در این مدل ماهیت های تقویت کننده جنبش دانشجویی شامل موارد: کمال گرایی (آرمان گرایی) ایدئولوژی، مطالبه گری، تقدم عبودیت بر سیاست، فرا ساختار، عدم وابستگی به دولت می باشد. وجود هریک از پدیده های ذکر شده در بخش ماهیت های تقویت کننده می تواند باعث رونق جنبش دانشجویی باشد.



نتیجه گیری:

این پژوهش به دنبال طراحی چارچوبی برای تحلیل اجتماعی جنبش دانشجویی بر مبنای مناسبات دولت ها و روشنفکران اسلامی پس از انقلاب اسلامی با جنبش دانشجویی بوده است. که با اتخاذ روش نظریه داده بنیاد با رویکرد نوحاسته به دنبال کشف مجموعه ای از عوامل موثر بر جنبش دانشجویی در قالب چارچوبی برای تحلیل آن بر مبنای دولت ها و روشنفکران بوده است در این راستا بررسی نتایج پژوهش های پیشین چون مطلبی (1394) نشان داده است که جنبش دانشجویی به مثابه بخشی از جریان روشنفکری است وکلانتري (1388) گفتمان روشنفکران را عامل تأثیرگذاری بر مواضع جنبش دانشجویی می دانداین تحقیقات نشان داده است که روشنفکران بر جنبش دانشجویی موثر می باشند. از دیگر یافته های مهم این تحقیق اشاره به تأثیر دولت ها بر جنبش دانشجویی است در این راستا پژوهش جلائی پور (1389) نشان دادکه ساختار هامانددولت وقوانین دانشگاه ها به سیاست مهار جنبش دانشجویی فکر می کنند.طالب

جلیلیان(1393) نیز دولت را بر فراز و فرود جنبش دانشجویی موثر می داند. شهناز کریمی(1388) جنبش دانشجویی را تحت تاثیرگفتمان دولت ها می داند. سجادی(1394) ظهور و بروز جنبش دانشجویی را با ساختار و کارکرد نظام سیاسی دارای ارتباط تنگاتنگی می داند. میلتن مکاف و ریچارد فلکس (1971) بررسی تغییرات زمینه های اجتماعی شرکت کنندگان در شورش های دانشجویی می پردازد و عواملی از قبیل ساختار طبقاتی جامعه، استبدادی بودن ساختارهای سیاسی آمریکا را بررسی می کنند. روابط دولت- ملت گفتمان ها و فعالیت های جنبش دانشجویی پکن که توسط دیانگین زاوو (2000) انجام شده است، الگوی عمل در جنبش دانشجویی متأثر از روابط دولت و ملت در چین می باشد که با یافته های تحقیق هم خوانی دارد.

از دیگر یافته های مهم این تحقیق اشاره به مطالبه گری به عنوان یک ماهیت تقویت کننده برای جنبش دانشجویی است که با یافته های جلالی پور(1389) که اهداف دائمی جنبش دانشجویی را تقویت عرصه عمومی نقد می داند و مطلبی(1394) که بیان می دارد، جنبش دانشجویی مطالبات خود و مردم را به حکومت کنندگان تزریق می کنند. هم خوانی دارد.

از دیگر یافته های این تحقیق موثر بودن ایدئولوژی به عنوان ماهیت های تقویت کننده در این زمینه است که با گفته های نخعی(1395) که ایدئولوژی اسلام گرایی را عامل موفقیت جنبش دانشجویی می داند هم خوانی دارد. همچنین کریمیان(1390) جنبش دانشجویی را نیازمند به ایدئولوژی های منسجم و سنجیده انقلابی و یا اصلاح طلب می داند. از دیگر یافته های این پژوهش اهمیت آرمان گرایی (کمال گرایی) بر جنبش دانشجویی است که به عنوان تقویت کننده در این زمینه است و با گفته های کریمیان(1390) که یکی از مهم ترین کارکردهای جنبش دانشجویی را نقد وضعیت موجود و دستیابی به آرمان ها و آرزوهای اجتماعی دانشجویان مطرح می کند هم خوانی دارد.

در این راستا اتخاذ راهبردهای چون فضای باز سیاسی با تاکید بر ارتباط دولت ها با جنبش دانشجویی از تضاد و تقابل به رفتار دموکراتیک و تغییر غلبه ساختار بر کنشگران سیاسی به تعامل بین این دو، بصیرت افزایی دانشجویان در مباحث سیاسی و پرهیز آنان از گرایش به احزاب خارج از دانشگاه، تقویت اتحادیه های تشکل های دانشجویی به عنوان مجمعی برآمده از اراده تشکل های دانشجویی و بدون وابستگی به جریان های سیاسی، ارتقاء انگیزش فعالیت های سیاسی دانشجویان و کاهش فضای امنیتی و برخورد مقابله ای و تغییر ساختار آموزشی از مدرک گرایی دانشجویان و

تخصص گرای محض (که سبب دوری از فعالیت های اجتماعی و سیاسی شده است) به تربیت عنصر فعال علمی، فرهنگی، اجتماعی و مسئولیت پذیر در برابر اجتماع و همچنین توجه به جایگاه روشنفکران دینی در جامعه می تواند راهبردهای احتمالی و مناسبی برای نیل به توسعه جنبش دانشجویی باشد. قاعدتاً نتایج مورد انتظار از راهبردهای تقویت جنبش دانشجویی در دانشگاه بر مبنای رابطه با دولت ها می تواند منجر به افزایش سطح مشارکت اجتماعی، پویایی، آرمان خواهی توجه به ایدئولوژی اسلام و رونق مطالبه گری و تقدم عبودیت و بندگی بر سیاست در فعالیت های سیاسی (اسلام خواهی) قرار خواهند گرفت همچنین تعدیل قوانین درونی دانشگاه و تسهیل در فعالیت های دانشجویی به مسئولین و مدیران فعالیت های دانشجویی توصیه می گردد.

پیشنهادهات:

1- زمینه گفتگو و اندیشه ورزی روشنفکران دینی و مصلحان در دانشگاهها فراهم گردد و از صورت بروکراسی و اخذ مجوزهای صعب و دشوار (ونگاه امنیتی) خارج تا صدای اندیشه ها شنیده شود.

2- تصدی گری دولتی و فرمایشی شدن فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و مذهبی در دانشگاهها سبب کاهش سرمایه اجتماعی شده است. این امور همانند دهه اول انقلاب به تشکل ها برگردد.

3- جنبش دانشجویی از کارکرد اصلی خود آرمان خواهی و مطالبه گری و انتقاد نسبت به حکمرانی فاصله گرفته است و به دنبال حل مسائل اجتماعی و مقطعی می باشند. پیشنهاد می گردد از این فرصت مباحث بصیرتی به جریان های دانشجویی در حین عمل آموزش داده شود. والگویی خدمت جهادی (اجتماعی) با مطالبه گری سیاسی توأم گردد.

4- اتحادیه های دانشجویی به کنشگری سیاسی دانشجویی سرعت بخشیده و از ساختارهای ناکار آمد آنها را رها می سازد. بنابراین تقویت اتحادیه های تشکل های دانشجویی در اولویت قرار گیرد.

منابع

1. اسماعیلی، حمیدرضا. (1398) **ایدئولوژی اصلاحات**، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

جنبش دانشجویی و مناسبات دولت ها و روشنفکران دینی پس از انقلاب ... □ 53

2. اشرف زاده بردار، محمد. (1384) **انقلاب فرهنگی در دانشگاههای ایران**، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب
3. آیت الله خامنه ای، سیدعلی. (1377) **بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه تهران**، بازبایبشده در 22 اردیبهشت 1377
<https://www.leader.ir/fa/speech/1618>
4. باتامور، تی.بی. (1372) **بزرگزیدگان و جامعه** (مترجم: علی هاشمی گیلانی، چ اول، 1372) مشهد: انتشارات مرنندیز
5. باربی موریس (1383) **مدرنیته سیاسی** (مترجم: عبدالوهاب احمدی¹ 1383) تهران: نشر آگه
6. بازرگان، ع. (1396) **مقدمه‌ی بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری**، چ هشتم، تهران: نشر دیدار
7. بشیریه، حسین. (1380) **دیباچه‌ی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات نگاه معاصر
8. جلالی پور، حمیدرضا (1397). **تحلیل جنبش‌های دانشجویی**، روزنامه همشهری 15 آذر 1395، ص 2
9. جلالی پور، حمیدرضا (1389) **جنبش دانشجویی در ایران با تاکید بر فعالیت‌های دانشجویی در دوره اصلاحات "1376-1384"** **مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران**، 1(3)، صص 179-213
10. جمالی، حسین. (1380) **تاریخ و اصول روابط بین الملل**، تهران، نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه
11. قادری، حاتم. (1382) **جنبش دانشجویی امروز دیروز فردا**، تهران: نشر نی
12. خرمشاد، محمدباقر (1384) **«جنبش دانشجویی در ایران»: تأملی نظری**، خردنامه (ضمیمه روزنامه همشهری 17 آذر 1384) صص 16-17
13. دژاکام، علی (1379) **(روشنفکری از منظر شهید مطهری)** (دوماهنامه‌ی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی اندیشه حوزه، 6 (24)، صص 8-15)
14. دهخدا، (1346) **لغتنامه دهخدا**، زیر نظر دکتر محمد معین، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ج 26، تهران: شرکت چاپ 128، ص 171.
15. رحمت الهی، حسین. (1398) **تحول قدرت**، چ دوم، تهران: نشر میزان
16. رکا بیان، رشید (1397) **تبیین رابطه دولت و جامعه در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)**، فصلنامه علوم سیاسی سیاست متعالی، شماره 20، صص 68-80

□ فصلنامه علمی پژوهش های انقلاب اسلامی، س 10، تابستان 1400، ش 37

18. رکابیان، رشید (1394)، **بررسی نظریه های دولت در جمهوری اسلامی ایران**. تهران: نشر سخنوران
19. رکابیان، رشید (1395) **نظریه دولت مطوب در اندیشه امام خمینی (ره)** پژوهش نامه انقلاب اسلامی، شماره 19، صص 141-121
20. ریتز، جورج، ثلاثی، محسن. (1385) **نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر**، (چ یازدهم) تهران، انتشارات علمی
21. زیبا کلام، صادق (1393) **احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه ایران**، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره 29 (10) صص 7-28
22. شبکلابی، علی (17 آذر 1377)، «**کارکردهای جنبش دانشجویی**»، روزنامه همشهری، 17 آذر.
23. شریعتی، علی (1377) **بازگشت** (مجموعه آثار) ج 4، تهران: انتشارات الهام
24. عالم، عبدالرحمان (1380) **بنیادهای علم سیاست**، ن (چ هشتم) تهران: نشرنی
25. عالم، عبدالرحمان، (1384) **مبانی علم سیاست**، تهران، نشرنی
26. غفاری، غلامرضا، ابراهیمی لویه، عادل. (1390) **تغییرات اجتماعی**، چ هفتم، تهران: انتشارات لویه، آگرا
27. کریمیان، علیرضا، (1390) **جنبش دانشجویی در ایران از تاسیس دانشگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی**، چ دوم، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
28. گرامشی، آنتونیو. (1385) **گزیده ای از آثار**، چ 2، تهران: انتشارات بابک، ایتالیا
29. گرانیپه، بهروز (1378) **جنبش دانشجویی ایران**، تهران: انتشارات جیبی
30. محسنی تبریزی، علیرضا، (1395) **روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری**، تهران، اطلاعات
31. مشیرزاده، حمیرا (1381). **درآمدی نظری بر جنبش های اجتماعی**، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره)
32. معین، محمد (1362) **فرهنگ فارسی**، چ 5، انتشارات امیر کبیر، تهران
33. منوچهر آریان پور کاشانی (1382) **فرهنگ جامع پیشرو آریان پور**، چ چهارم، تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه
34. جهانبخش، فروغ، جلیل، پروین (1385)، **اسلام، دموکراسی و نوگرایی دینی در ایران از بازرگان تا سروش**، تهران: ناشر گام نو
35. نادری، عزت اله، سیف نراقی، مریم (1396) **روش های تحقیق و چگونگی ارزشیابی**

آن در علوم انسانی، تهران: انتشارات ارسباران

36. نخعی، هادی. (1395) **مرور توصیفی-تحلیلی تحولات پنجاه سال جنبش**

دانشجویی، پیدایش، گسترش، افول (1359-1309)، چ اول، تهران: پژوهشکده تاریخ

اسلام

37. نش، کیت (1392). **جامعه شناسی سیاسی معاصر**، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران:

نشر کویر.

38. وینست، اندرو، (1383) **نظریه های دولت، منوچهر صبوری**، تهران، نشر نی

39. وینست، اندرو (1389) **نظریه های دولت** (مترجم: حسین بشیریه چاپ هفتم 1389

تهران: نشر نی)

40. هولاب، رابرت؛ وهابرمارس، یورگن (1397). **نقد در حوزه عمومی** (ترجمه حسین

بشیریه، 1397 چاپ دهم) تهران: نشر نی

41. 1-Glaser, B. S., & Strauss, A. (1971). A. (1967). The discovery of grounded theory. New York, 581-629.

42. 2-Donald k. Emerson Student and Political Development Nation New York: Praeger 1967

43. 3-S.M. Lipset and P .G. Altabach Student in Revolt Boston Honughton Miffilin 1961

44. 4- Glaser, B. S., & Strauss, A. (1971). A. (1967). The discovery of grounded theory. New York, 581-629.

45. 5-Social Movement A dictionary of Modern Society New York Crowell 1969

46. 6-Rudolf Heberle Social Movements Appieto-Century-Croft New York 1951

47. 7-Hodges Graham. The Selling of Civil Rghits: The Student Nonviolvt Coordinating Committee and the use of Public Relations New York: Routledge 2006

48. 8-Stommel, M., & Wills, CE. (2004). clinical research: concepts and principles for advanced practice nurses. Philadelphia. lippincott Williams and wilkins

49. 9-Durkheim, emile, suicide: a study in soliology, newyork, the free press, 1951/referred to in notes as suicide. hv65450812

50.